

نقش اخلاق فردی امام علی (علیه السلام) در حکومت

<"xml encoding="UTF-8?">



چکیده

مساله ضرورت وجود حکومت در جامعه بشری که موجب جمع متفرقات، تنظیم امور فردی و اجتماعی، بیان و اجرای حدود و حقوق، تامین عزت و حفظ موجودیت و صیانت آزادی و استقلال مردم و اجرای وظایف مردم در برابر خود و دیگران می گردد، از امور بدیهی و مسائل ضروری جامعه انسانی است؛ حکومت برای تحقق اهداف آرمان خود به حاکمی با ویژگیها و توانمندیهای خاص تربیتی، اخلاقی، علمی و سیاسی نیاز دارد. در این میان ارزشهای معنوی و اخلاقی بیش از دیگر ویژگیها خود را می نمایند. تقوا یکی از ارزشهای معنوی و اخلاقی و از اهداف تربیتی در نظام اسلامی است و به عنوان یکی از مهمترین مبانی اخلاقی و تربیتی حکومت امام علی علیه السلام محسوب می گردد. در این مقاله با استفاده از رهنمودهای ارزشمند امام علی علیه السلام و آثار فردی، تربیتی و اجتماعی تقوا و تاثیر آن در شخصیت اخلاقی و سیره حکومتی آن حضرت به بیان ویژگیهای کارگزار در نظام الهی می پردازد.

ضرورت تشکیل حکومت

دلایل عقلی و نقلی، گواه نیاز جامعه بشری به حکومتی است که آموزش را راه برد، کیانش را حفظ کند، آن را از عوامل فساد و زوال باز دارد، در جهت مصالح آن برنامه ریزی کند، زورمند را از تجاوز به حقوق ناتوان نگه دارد، ستمگران را از آن دور کند، عدالت را در آن حاکم و راهها را ایمن و همگان را در برابر قانون یکسان سازد. بی گمان برای انسان، حالتی رنج آورتر از هرج و مرج نیست و دین اسلام که کاملترین ادیان و دارای پیشرفته ترین قوانین و سازمانهاست، هیچ یک از امور معنوی یا مادی زندگانی انسان را رها نکرده و برای هر مساله ای حکمی

تعیین کرده است . مهمترین مساله زندگی اجتماعی، ضرورت وجود حکومت است که اجرای بسیاری از احکام اسلام به آن وابسته است . در اثبات نیاز به حکومت و تشکیلات وابسته به آن از آیات شریف قرآن استفاده می شود که حکومت بر مردم و اداره جامعه اسلامی از ابتدای ظهور اسلام مطرح بوده و پیامبر خدا با الهام از آیات الهی به این امر مهم عنایت داشته است . خداوند متعال در مورد علت نزول قرآن می فرماید : «انا انزلنا الیک الكتاب بالحق لتحکم بین الناس بما اریک الله .» (1)

این آیه بر مساله حکومت در اسلام دلالت صریح دارد . قرآن کریم آنجا که به رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمان می دهد که خلافت و ولایت علی علیه السلام را بعد از خودش به مردم ابلاغ کند، می فرماید : «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک فان لم تفعل فما بلغت رسالتک» (2)؛ «به کدام موضوع اسلامی به این اندازه اهمیت داده شده است؟ کدام موضوع دیگر است که ابلاغ نکردن آن با عدم ابلاغ رسالت مساوی باشد؟»

حضرت علی علیه السلام در مورد ضرورت وجود رهبر در جوامع بشری می فرماید : «و انه لابد للناس من امیر بر او فاجر، يعمل فی امرته المؤمن، و یستمتع فیها الکافر، و یبلغ الله فیها الاجل، و یجمع به الفیء، و یقاتل به العدو، و تامن به السبل، و یؤخذ به للضعیف من القوی حتی یستریح بر و یستراح من فاجر» (3)؛ «از مقتضیات احکام الهی آن است که باید در میان مردم حکمرانی باشد، نیکوکار یا بدکار، که در آن صورت مؤمن در حکومت او به طاعت مشغول و کافر از زندگی بهره مند می شود . خداوند در زمان او (حاکم) هر که را به اجل مقدر می رساند . به وسیله او مالیات جمع و با دشمن جنگ می شود . راهها امن و حق ضعیف از قوی گرفته می شود تا نیکوکار در رفاه قرار گیرد و از شر بدکار آسوده ماند .

در واقع امام علی علیه السلام در این خطبه به برخی از آثار مادی و معنوی حکومت اشاره می کنند :

- 1- در سایه حکومت حاکم، مؤمن به کار خویش ادامه می دهد .
 - 2- کافر نیز در حکومت حاکم - از مواهب مادی بهره مند می شود .
 - 3- خداوند به مردم فرصت می دهد که در دوران حکومت او زندگی طبیعی خود را تا پایان - در سلامت نسبی - طی کنند .
 - 4- به وسیله حاکم اموال بیت المال جمع آوری می گردد .
 - 5- به کمک حاکم با دشمنان مبارزه می شود .
 - 6- به وسیله او جاده ها امن و امان می گردد .
 - 7- به کمک او حق ضعیفان از زورمندان گرفته می شود .
- و نتیجه انجام این وظایف از سوی حکومت این است که : «نیکوکاران در رفاه و از دست بدکاران در امان خواهند بود .»

علی علیه السلام پیوسته لزوم یک حکومت مقتدر را تصریح کرده است و با فکر خوارج که در آغاز امر مدعی بودند با وجود قرآن از حکومت بی نیازیم، مبارزه کرده است . علی علیه السلام، حکومت و زعامت را به عنوان یک پست و مقام دنیوی که اشباع کننده حس جاه طلبی بشر و هدف و ایده آل زندگی می باشد، سخت تحقیر می کند و آن را مانند سایر مظاهر مادی دنیا از استخوان خوکی که در دست انسان خوره داری باشد بی مقدارتر می شمارد؛ اما همین حکومت را در مسیر اصلی و واقعیش به عنوان وسیله ای برای اجرای عدالت و احقاق حق و خدمت به اجتماع، فوق العاده مقدس می شمارد .

ابن عباس در دوران خلافت علی علیه السلام بر آن حضرت وارد شد درحالی که با دست خودش کفش کهنه خویش را پینه می زد . امام از ابن عباس پرسیدند : قیمت این کفش چقدر است؟ ابن عباس گفت : هیچ . امام فرمودند : ارزش همین کفش کهنه در نظر من از حکومت و امارت بر شما بیشتر است مگر آنکه به وسیله آن عدالتی را اجرا کنم، حق را به ذی حق برسانم، یا باطلی را از میان بردارم . (4)

نقش اخلاق فردی حاکم در حکومت

با مرور تاریخ و سیر تحولات حکومتی مشاهده می شود که چگونه مردم در زیر سایه حکومتی صالح به صلاح گرایش یافته اند . نقش اخلاق فردی حاکم و نوع تربیت او، نقشی آشکار است . به بیان امام علی علیه السلام با تغییر قدرت و حکومت، زمانه و همه چیز تغییر می یابد : «اذا تغير السلطان تغير الزمان .» (5) در حاکمیت ستم، میدان عمل برای نیکان بسته و حرمتها شکسته است، بدکاران از هر قیدی رسته و درستکاران به خواری نشسته اند، چنانکه امیر مؤمنان فرموده است : «تنهد فيه الاشرار و تستذل فيه الاخيار .» (6) چنانچه زمامداران خود سر و حاکمان خیره سر، رشته امور را به دست گیرند شایستگان، خوار و بی مقداران بلند مرتبه خواهند گشت .

و بالعکس در سایه حکومتی شایسته با زمامداری که متخلق به اخلاق الهی باشد، شایستگان اجر و قرب پیدا خواهند کرد، اوامر و مشکلات مردم به اصلاح خواهد گرایید و حق و عدالت در جامعه سایه خواهد گستراند .

تقوا به عنوان یک هدف واسطه ای تربیتی در نظام اسلامی

معیار و ملاکی که دین اسلام در چارچوب نگرش خود به انسان ارائه می دهد، حاکی از توجه به ساختار وجودی اوست؛ ساختاری که فطرت در آن نقش اساسی ایفا می کند . با توجه به این معیار می توان اهداف تربیتی را در نظام اسلامی به سه طبقه کلی اهداف غایی (نهایی)، اهداف واسطه ای و اهداف جزئی تقسیم کرد.(7)

هدف غایی تربیت در هر مکتبی، کمال مطلوب آدمی است و باید تمام فعالیتهای آدمی متأثر از آن باشد. هدف غایی که حقیقتی بی نهایت و جامع تمام ارزشهاست، از دید اسلام همانا خداوند تعالی است . اوست که بی نهایت و کامل است و می تواند محور تمام افعال انسان قرار گیرد .

منظور از اهداف واسطه ای، برخی غایتهای کلی است که برای تبدیل شدن به رفتارهای جزئی باید مشخصتر شوند . این اهداف نسبت به هدف نهایی وسعت و محدوده کمتری دارند و حد وسط بین هدف نهایی و اهداف رفتاری و جزئی اند .

هدفهای واسطه ای مسیر حرکت انسان را تاحدی مشخصتر می کنند و مجموعه ای را تشکیل می دهند که از به

هم پیوستن آنها پیکره هدف نهایی ساخته می شود .

اهداف واسطه ای تربیتی از دیدگاه اسلام را می توان به چهار گروه کلی خلاصه کرد : (8)

الف) هدفهای تربیتی ای که در آنها خدا محور توجه است .

ب) هدفهای تربیتی ای که در آنها خود فرد محور توجه است .

ج) هدفهای تربیتی ای که دیگران محور توجه اند .

د) هدفهای تربیتی ای که در آن طبیعت محور توجه است .

محورهای کلی : اهداف تربیتی در رابطه با خداوند در معرفت خدا، ایمان به او، تقوای الهی، عبودیت خدا، احساس تکلیف و شکرگزاری خلاصه می شود .

تقوا به عنوان یکی از خصوصیات مهم اخلاقی فردی امام علی علیه السلام

تقوا از خصوصیات مهم اخلاقی است که متخلق بودن حاکم به آن باعث اجرای عدالت و کمال عقول می گردد .

تقوا از مهمترین خصوصیات اخلاقی و فردی حضرت علی علیه السلام و از رایجترین کلمات در نهج البلاغه است .

(9) این کلمه از ریشه «وقی» به معنای حفظ، صیانت و نگهداری گرفته شده است . «تقوا» یعنی خود را محفوظ نگه داشتن، و «مترقین» یعنی کسانی که خود نگهدار هستند . تقوا نیرویی روحانی است که بر اثر تمرینهای زیاد پدید می آید و به روح انسان شخصیت و قدرت می دهد و آدمی را مسلط به خویشتن می کند و آثار و نتایج مفیدی دارد . آرامش حاصل از تقوا، فرد را در برابر حوادث روزگار - چه حوادثی که اراده انسان در آنها دخالت دارد و چه حوادثی که از اختیار او خارج است - مصون می سازد .

تقوا شخصیت انسان را تحت سیطره قرار می دهد و با وصل او به قدرت لایزال الهی زمینه های تامین نیازها و رفع مشکلاتش را فراهم می کند .

آثار فردی، تربیتی و اجتماعی تقوا و نقش آن در حکومت امام علی علیه السلام

1- روشنی بینی و بصیرت

«بدانید هر که تقوا پیشه کرده از خدا بترسد، حق تعالی راه بیرون شدن از فتنه و تباهیها و روشنایی از تاریکیها (ی نادانی و گمراهی) را به او نشان می دهد.» (10)

چگونه تقوا که فضیلتی اخلاقی و مربوط به طرز عمل انسان است، در عقل و فکر و قوه قضاوت انسان تاثیر دارد و منشا درک حکمت می گردد؟

نخست آنکه نیروی عقل انسان برای درک حقایق آماده است ولی پرده هایی از طمع، شهوت، خودبینی، حسد و عشقهای افراطی به مال، خانواده و جاه و مقام دیده آن را می پوشاند و انسان چهره حق و باطل را نمی تواند بنگرد؛ اما اگر با آب تقوا این غبار زدوده شود، دیدن چهره حق آسان است .

دوم آنکه هر کمالی در جهان هستی، پرتوی از کمال حق است و هر قدر انسان به خدا نزدیکتر شود، پرتو بیشتری از آن کمال مطلق در وجود او انعکاس خواهد یافت؛ لذا هر علمی از حکمت او سرچشمه می گیرد و هرگاه انسان در پرتو تقوا و پرهیز از گناه به او نزدیکتر شود و قطره وجود خود را به اقیانوس بیکران هستی او پیوند دهد، سهم بیشتری از حکمت الهی بر خواهد گرفت .

سوم آن که از نظر عقلی نیز پیوند میان تقوا و درک حقایق قابل فهم است؛ زیرا در جوامعی که بر محور هوا و هوس می گردد، تمیز حق از باطل مشکل است؛ بکارگیری نیروها و انرژیها و هدر رفتن این سرمایه ها در راه گناه موجب کم شدن درک مردم می شود، هرچند در زندگی مادی، پیشرفت کنند .

حکمت، روشن بینی و بصیرتی که در اثر تقوا پیدا می شود، حکمت عملی است نه حکمت نظری .

راز روشنگری عقل و روشن بینی حاصل از تقوا این است که تقوا زمینه فکر و اندیشه و تشخیص راه درست را فراهم می سازد .

حاکم با تقوا در سایه روشن بینی و بصیرت حاصل از تقوا، به روش صحیح و منطقی، مسائل را مورد بررسی قرار می دهد و به نتیجه مطلوب دست می یابد .

2- جلوگیری از شک و شبهه

«برعهده خویش می دانم که این مطالب را بگویم که خود نیز به این مطالب پایبندم . آن کس که در مقابل حوادث و پیشامدهای روزگار قرار گیرد و از آنها پند بگیرد، تقوا او را از سرنگون شدن در شبهات نگه می دارد .» (11)

شبهه تنها از این جهت شبهه نامیده شده است که شباهتی به حق دارد و به همین دلیل سبب فریب گروهی از ساده لوحان و دستاویزی برای شیطان صفتان برای فرار از حق می شود . در حقیقت اموری که در زندگی فردی و اجتماعی برای انسان پیش می آید از سه حال خارج نیست، گاهی حقی آشکار و گاهی باطلی روشن است، گاهی نیز مطلب باطلی در لباس حق عرضه می شود؛ ظاهرش حق است و باطنش باطل و از همین پوشش برای فریب مردم یا استدلالهای بی اساس استفاده می شود .

اما افرادی که به سلاح تقوا مجهز هستند چون گرفتار هوا و هوس نیستند و عقل سلیم بر وجودشان حاکم است می توانند در پرتو نور آن، ظلمات شبهه را بشکافند و در مسیر هدایت گام نهند .

اگر باطل در چهره اصلی اش ظاهر شود، بر کسی مخفی نمی ماند و وجدانهای بیدار و طبع سلیم انسانها هرگز آن را پذیرا نمی شود و تنها کسانی به سراغ آن می روند که دلی بیمار و فکری منحرف دارند؛ اما هنگامی که باطل را در

لباس حق بپيچند و آن را با حق بيارايند، کار مشکل می شود و گاه حق طلبان گرفتار اين فريب و نيرنگ شده به آن روی می آورند و اين یکی از انواع شبهه است . گاهی نیز مقداری از حق با باطل آميخته گردد و چهره زشت و شوم باطل در اين میان پنهان گردد .
نوع ديگر شبهه آن است که باطل را از طريق توجيهات فريبنده در نظرها حق جلوه دهند بی آن که به حق آميخته شده باشد .

تاريخ بشر پر از مشکلات و مصايبی است که از طريق شبهات و وسوسه های شيطانی دامن انسانها را گرفته است . شيادان و فريبکاران با ايجاد شبهات، خود را بر مردم صالح ساده دل تحميل می کنند . جنگهای سه گانه معروفی که در بصره، صفين و نهروان رخ داد و گروه زیادی را به کام مرگ کشاند، نمونه های روشنی از سوء استفاده شيادان از شبهه برای پيشرفت مقاصدشان محسوب می شود .
امام عليه السلام در اين خطبه می فرمايند با چراغ تقوا، تاريخکيهای شبهات را برطرف سازيد و در پناه اين سنگر مطمئن از ضربات هولناک شياطين و نفس اماره در امان بمانيد .

3- دريافت عطاها و بخششهای بسيار از جانب حق تعالى

«تقواي خدا کليد هدايت و رستگاری (دنیا و آخرت) و اندوخته برای روز قيامت و سبب آزادی از هر بندگی (شهوتها و خواهشهای نفس) و رهایی از هر تباهی است، به واسطه تقوا، حاجت درخواست کننده روا می گردد و گريزان (از عذاب و سختی) رهایی می يابد و عطاها و بخششهای بسيار (از جانب حق تعالى دريافت می شود.» (12)
ذات اقدس خداوند، ايمان و تقوا را نخستين سبب روزيهای زمينی و آسمانی معرفی می کند :
و چنانچه مردم شهر و ديار همه ايمان می آوردند و با تقوا می شدند، همانا ما درهای برکات آسمان و زمين را بر روی آنها می گشوديم . (13)

هرکس که از محرمات الهی به خاطر خدا و ترس از او بپرهيزد، خدای متعال او را از تنگنای وهم و زندان شرک نجات می دهد و رزق مادی و معنويش را فراهم می کند و آنچه را که اميدوار بود به وسيله سعی و کوشش خود به دست آورد، خدای تعالى برايش فراهم می کند ؛ زیرا او به خدا توکل کرده است و کسی که بر خدا توکل کند، خداوند کفيل او می شود .

4- غلبه بر سختیهای دنیا و آخرت

«پس هرکه تقوا پيشه کند، سختيها بعد از نزديک شدن و روآوردن به او، از او دور و کارهایش از تلخی برای او شیرين و موجه (فتنه و تباهکاریها) پس از پی در پی رسيدن بر او برطرف می شوند . دشواریها پس از رنج دادن، برای او آسان و کرامت و لطف (خداوند متعال) بعد از نايابی برای او بسيار و رحمت و مهربانی پس از دور شدن، به او بازگشت می کنند و نعمتها پس از کم شدن بر او فراوان می گردند و برکت مانند باران بزرگ قطره پس از اندک

باریدن به او برسد.» (14)

هرکس تقوای الهی را پیشه کند، خدای تعالی برایش راه نجاتی از تنگنای مشکلات زندگی فراهم می کند. انسان متقی از سوی خدا به نیروی دفاعی خاصی مجهز می شود که هم از جنبه درونی - در مواجهه با صفات نفسانی - و هم از جنبه بیرونی - در مواجهه با حوادث گوناگون - قدرت فائق آمدن بر مشکلات را به او می دهد. انسان متقی در کوران حوادث و امواج کوبنده یاس و ناامیدی با تمسک به ریسمان الهی خود را نجات می دهد و چون از انوار الهی بهره می گیرد از فیوضات الهی برخوردار شده، معضلات و مشکلات پیش آمده را از سر راه خود برمی دارد.

تاثیر تقوا در رفع سختیها و مشکلات

سختیها دو نوع است: سختیهایی که اراده و اختیار انسان هیچ گونه دخالتی در آنها ندارد، مانند طوفانی شدن دریا و غرق شدن کشتی، و نوع دیگر گرفتاریهایی است که اراده و اختیار انسان در آنها دخالت دارد؛ مانند گرفتاریهای اخلاقی و اجتماعی؛ تقوا تاثیر بسیاری در رفع گرفتاریهای نوع دوم دارد؛ زیرا گرفتاریها و سختیها در تاریکی پیدا می شود؛ آنگاه نور تقوا در ظلمت معاصی پدیدار گردد، راه از چاه تمیز داده می شود؛ همچنین تقوا سبب می شود که انسان نیروهای ذخیره وجود خود را در راههای لغو و لهو و حرام هدر ندهد و همیشه نیروی ذخیره داشته باشد. بدیهی است که انسان نیرومند و با اراده بهتر تصمیم می گیرد و راحت تر می تواند خود را از بند گرفتاریها نجات دهد. (15)

5- صبر کردن در سختیها

«فالمتمقون فیها هم اهل الفضائل: ... فی الزلازل وقور، و فی المکاره صبور، و فی الرءاء شکور، لا یحیف علی من یبغض» (16)؛ «پرهیزکاران در دنیا دارای فضیلتها هستند: ... در سختیها باوقار و بردبار، و در ناگواریها شکیبیا و در خوشی و آسایش سپاسگزارند، کسی را که دشمن دارند بر او ستم ننمایند...» صبر و حلم یکی از مهمترین نتایج تقواست. انسان متقی می تواند عواقب امور را با بینشی الهی مورد تحلیل قرار داده، راه درست را از راه باطل تشخیص دهد و در مقام عمل به دلیل داشتن قدرت ایمانی و اعتقادی با تمام مشقات و نابسامانیهای درونی و بیرونی مواجه و به هدف خود نایل شود. صبر و خویشتنداری در برابر حوادث گوناگون ارزش تربیتی زیادی دارد و برای کمال و رشد جسمی و روانی انسان مفید و ضروری است. جایگاه صبر در تربیت اسلامی و نسبت آن به این همانند نسبت بدن به سر است؛ همان طور که بدن بدون سر، ارزش و فایده ای ندارد؛ ایمان بدون صبر نیز ارزش ندارد؛ وقتی ایمان کامل است که همراه آن صبر و خویشتنداری در همه حالات و رفتار و کردار باشد.

6- مصونیت از گناه

«بندگان خدا بدانید، تقوا سرای حصار و دار ارجمندی است، و گناه، سرای حصار و دار خواری که ساکن خود را (از بلا و سختی) نگاه نمی دارد، و هرکه به آن پناه برد، حفظ نمی کند. آگاه باشید به سبب تقوا، نیش و هر دار گناهان دور می شود و به یقین و باور پایان بلند مرتبه به دست می آید.» (17)

یکی دیگر از آثار بارز تقوا حفظ خود از معاصی است : اگر چه روشن بینی حاصل از این صفت الهی، انسان را نسبت به ضلالت و گمراهی آگاه می سازد، اما نقش تقوا صرفاً آگاهی دادن نیست و فراتر از علم و آگاهی، گرایش عملی نیز مدنظر است . منظور نخست از این اثر تربیتی نقش فعال تقوا در حیات انسانی است . در بینش اسلامی، انسان متقی تمایل درونی و باطنی به خدا دارد و نیرویی، حرکت او را به سوی خدا تنظیم می کند و از انحراف در مسیر زندگی نجات می دهد .

7- زره محکم و سپر مطمئن

«بندگان خدا شما را به تقوا سفارش می کنم؛ زیرا تقوا حق خدا بر شماست . و حق شما را بر خدا لازم و برقرار می نماید، و شما را سفارش می کنم به اینکه از خدا برای تقوا کمک بطلبید و از تقوا برای (قرب به) خدا همراهی درخواست نمایی؛ زیرا تقوا، امروز (دنیا) پناه و (در برابر سختیها و گرفتاریها) سپر است و فردا (قیامت) راه بهشت است؛ راه آن آشکار، و رونده در آن سود برنده، و امانتدار آن (خداوند) حافظ و نگهدار است.» (18)

8- پناهگاه استوار و دستگیره محکم

«پس به تقوا دست اندازید؛ زیرا تقوا ریسمانی محکم و پناهگاهی استوار است.» (19)

توجه امام در این کلام به جنبه روانی و معنوی تقوا و آثاری که بر روح می گذارد معطوف است ؛ به طوری که احساس میل به پاکی و نیکوکاری و احساس تنفر از گناه و پلیدی را در فرد به وجود می آورد .

9- حرص در علم

«از نشانه های انسان متقی آن است که در امر دین تواناست، و در نرمی و خوشخویی دوراندیش و در ایمان با یقین و در (طلب) علم حریص و در بردباری داناست . . .» (20)

دین اسلام انسان را به کسب علم توصیه کرده است . اسلام علم را نور و بینایی و جهل را ظلمت و کوری می داند . فرد متقی نیز به دلیل آنکه دارای روشن بینی و بصیرت است به همین خاطر به دنبال نور و روشنایی خواهد رفت و در راه کسب آن حریص خواهد بود .

10- میانه نگه داشتن در توانگری

«از نشانه های یک فرد متقی این است که در توانگری میانه رو (اسراف نکرده، دارایی خود را بی جا صرف نمی کند) و در بندگی و عبادت فروتن است و در فقر و نیاز مندی آراسته جلوه می کند.» (21)

هر حرکت و فعل تربیتی باید بر اعتدال استوار باشد و از حد وسط بیرون نرود و به افراط و تفریط کشیده نشود تا حرکت و فعلی مطلوب باشد . آیین تربیتی دین اسلام به اعتدال در هر امری فرامی خواند و مجموعه قوانین و مقررات و آداب دینی به گونه ای است که مردم، متعادل تربیت شوند . خداوند اموال و داراییها را وسیله ای برای برپایی امور انسانها و بستری مناسب برای حرکت متعادل و رشد آنان قرار داده است .

فزون خواهی و تکاثرطلبی، فرد و جامعه را به سوی تباهی می کشاند . امیر مؤمنان علی علیه السلام در نامه ای که به کارگزار آذربایجان می نویسد، چنین می فرماید : «مبادا بپنداری که حکومتی که به تو سپرده شده است شکاری است که به چنگت افتاده است! خیر! امانتی است در گردن تو (که بایستی آن را مواظبت نمود، در راه آن قدمی بر خلاف دستور دین برداری) و خواسته اند که تو نگهبان باشی، برای کسی که از تو بالاتر است، تو را نمی رسد که در کار رعیت به میل خود رفتار کنی.» (22)

در نامه ای که آن حضرت به سران لشگرهایش نوشته است، چنین می فرماید : «لازم است والی را که هرگاه امتیازی کسب می کند و به افتخاری نائل می شود آن فضیلتها و موهبتها او را عوض نکند، رفتار او را با رعیت تغییر ندهد بلکه باید نعمتها و موهبتهای خدا بر او، او را به بندگان خدا نزدیکتر و مهربانتر گرداند.» (23)

علی علیه السلام در دوره خلافت و حکومت خویش، بیش از هر وقت دیگر زاهدانه زندگی می کردند و می فرمودند : «خدای تعالی به پیشوایان حق واجب گردانیده که خود را با مردم تنگدست برابر نهند تا اینکه فقیر و تنگدست را پریشان فشار نیاورده، نگران نسازد.» (24)

و همچنین در نامه ای به حاکم بصره می فرماید : «آیا قناعت می کنم که به من بگویند زمامدار و سردار مؤمنان در حالی که به سختیهای روزگار با آنان همدرد نبود یا در تلخکامی جلو ایشان نباشم؟» (25)

و در ادامه همان نامه می فرماید : «ولی چگونه ممکن است هوای نفس بر من غلبه کند و مرا به سوی انتخاب بهترین خوراکها بکشاند، در صورتی که شاید در حجاز یا یمامه افرادی یافت شوند که امید همین یک قرص نان را هم ندارند و دیر زمانی است که شکمشان سیر نشده است . آیا سزاوار است شب را با سیری صبح کنم در صورتی که در اطرافم شکمهای گرسنه و جگرهای گرم (تشنه) قرار دارد؟» (26)

11- بهداشت جسمی و روانی

«همانا تقوای خدا داروی درد قلبها و روشنی بخش کوری دلها و بهبودی بیماری تنها و اصلاح فساد سینه ها و پاکیزگی آلودگی نفسها و روشنی پوشش دیده ها و ایمنی ترس دل و نور سیاهی تاریکی (نادانی) شماست.» (27)

رابطه تقوا با سلامت جسم و روان

انسان با تقوا که به حد و حق خود قانع و راضی است روحی مطمئنتر و اعصابی آرامتر و قلبی سالمتر دارد. دائما در فکر این نیست که کجا را ببلعد، ناراحتیهای عصبی او را به زخم روده و معده مبتلا نمی سازد، افراط در شهوت او را ضعیف و ناتوان نمی کند و عمرش طولانیتر می شود.

12- پرهیز از طمع

«از نشانه های متقین آن است که می بینی در سختی شکیب و حلال را جويا و در هدایت و رستگاری دلشاد و از طمع و آز دور هستند.» (28)

امیر مؤمنان علی علیه السلام در مورد بیت المال مسلمانان دقت بسیار مبذول می کردند و چون مالی می رسید، آن را تقسیم می کردند و چیزی در بیت المال باقی نمی ماند، فقط در مواردی که فرصت نبود تقسیم را به روز بعد موکول می کردند. ایشان هیچ گاه چیزی از غنائم را برای خود انتخاب نمی کردند و برای دوستان و خویشان خود تبعیض قائل نمی شدند. و در وصیت به امام حسن علیه السلام می فرمایند: «و برحذر باش از اینکه شترهای طمع و آز تو را به تندی به آبشخورهای تباهی ببرند (بر اثر طمع به دنیا و کالای آن، مرتکب حرام مشو که به عذاب الهی گرفتار خواهی شد.)» (29)

13- عمل کردن به نیکی و مداومت بر انجام آن

«از نشانه های متقین این است که مردم به نیکویی او چشم داشته و از بدیش آسوده اند، کار نکوهیده از او دیده نشده کار پسندیده اش هویداست، نیکویی به او روی آورده و بدی به او پشت کرده است.» (30)

علی علیه السلام در طلیعه حکومت بر حق خود به اصلاح اجتماع قیام کرد و در این باره چنین فرمود : «سوگند به کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله را به حق فرستاد، هرآینه در هم آمیخته و غربال شوید و جدا گردیده و بر هم زده شوید؛ مانند بر هم زدن کفگیر آنچه را که در دیگ طعام است تا اینکه پست ترین شما به مقام بلندترین شما و بلندترین شما به مقام پست ترین شما برگردد .» (31)

حضرت با چنین بینشی شروع به اصلاحات اداری و اجتماعی کرد . وی استانداران و فرماندارانی را که نسبت به مردم ستم کرده بودند از کار برکنار کرد . افرادی که در زمان عثمان، درآمد ملت را چپاول و ثروت مردم را ذخیره می کردند در حکومت علی علیه السلام تحت تعقیب قرار گرفتند .

علی علیه السلام به دنبال آن بود که عدالت را در میان اجتماع توسعه دهد و ستمگری را از میان بردارد و حکومتی ایجاد کند که بر اصول صحیح اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی استوار گردد .

14- ایجاد خیر و نیکی

«دنیا و آنچه در آن است می فریبد، فانی است و هر که در آن است نابود می شود، خیر و نیکویی در هیچ یک از توشه های آن نیست مگر در تقوا .» (32)

براستی که برای حرکت در مسیر زندگی دنیوی، هیچ ره توشه ای نیکوتر از تقوا نیست . امیر مؤمنان علیه السلام با تمام وجود این حقیقت را دریافته بود و این چنین بود که توانست با یاری این توشه که جز خیر و نیکی ثمری ندارد، حکومت عدل را در دوران خلافت خویش برقرار سازد .

15- برترین توشه

«امام علی علیه السلام پس از بازگشت از جنگ صفین، به گورستان کوفه رسید، روبه قبرها کرد و پس از توصیف دنیا سؤال فرمود : پس خبر آنچه نزد شماست چیست؟ پس از آن به سوی یارانش نظر افکنده فرمود : بدانید اگر ایشان را در سخن اجازه و فرمان بود به شما خبر می دادند که بهترین توشه (در این راه) تقواست .» (33)

16- سبقت در انجام کار نیکو و رستگاری کردار

«پس کسی که تقوا را اشعار قلبش قرار دهد، در خیر و نیکویی از دیگری پیشی گیرد و رستگار گردد، غنیمت دانید بهره های تقوا را .» (34)

17- استواری در برابر لغزشها

«همت و اندیشه من در این است که نفس خود را با تقوا تربیت و خوار گردانم تا در روزی که ترس و بیم آن بسیار است (قیامت) آسوده باشد، و در لبه لغزشگاه استوار ماند.» (35)

18- قوت در دین، خوشخویی و نرمی

«از نشانه های پرهیزگاران آن است که تو می بینی در امر دین توانا و در نرمی و خوشخویی دور اندیش و در ایمان با یقین هستند. خداوند در نظر آنان بزرگ، و غیر او - هرچه هست - در دیده آنها کوچک است. یقین و باورشان به بهشت مانند یقین و باور کسی است که آن را دیده و ایمانشان به آتش همچون ایمان کسی است که آن را دیده که اهل آن در آن گرفتار عذابند.» (36)

یکی از خصوصیات مهم یک زمامدار مسلمان این است که فهم صحیح دینی داشته باشد تا بتواند دستورات و فرامین دینی را در جنبه های مختلف آن به نحو صحیح و شایسته در جامعه برپا سازد و علاقه و دلبستگی مردم را به دین روزبه روز بیشتر کند؛ البته این مهم زمانی امکان پذیر خواهد بود که زمامدار بتواند با بیان نرم، رشته محبت بین خود و مردم را محکم گرداند که در این صورت مردم به او امیدوار می شوند و در سایه حکومتش، عدالت برقرار خواهد گشت.

19- برترین دارایی

«و بدانید که از جمله نعمتها، دارایی فراوان است و بهتر از دارایی فراوان تندرستی است و بهتر از تندرستی تقوای قلب است.» (37)

20- بازداشتن از کار حرام (خودسازی)

«بندگان خدا! تقوا، دوستان خدا را از ارتکاب حرام باز می دارد و خوف و ترس - از عذاب - در دلهایشان قرار می دهد، به طوری که آنان را شبها - برای نماز - بیدار و در شدت گرمی روزها (برای روزه) تشنه نگاه می دارد؛ پس

آسایش - آخرت - را به رنج - دنیا - و سیرابی - آن روز - را به تشنگی - امروز تبدیل نمودند و مرگ را نزدیک دانسته به انجام عمل نیکو شتافتند و آرزو را دروغ پنداشته به سر رسیدن عمر را در نظر گرفتند. « (38)

نتیجه

براستی مادامی که تفکرات و گفتار و کردار شخص مستند به عامل تقوا نباشد نتیجه های به دست آمده همانند امواج و طوفانهایی است که تحت تاثیر عوامل بیرون از ذات انسانی، فرو می نشیند و از بین می رود . تمام حق کشیها، دروغگوییها، بی عدالتیها، تجاوزها و ستمگریها و نادانیها در عرصه حکومتها بشری نشأت گرفته از عدم پابندی زمامداران به اصول اخلاقی و مجهز نبودن آنان به سلاح تقوا و در نتیجه عدم مصونیت روحی و اخلاقی آنان است .

نخستین شرط تشکیل یک حکومت دادگر، وجود یک زمامدار باتقواست تا جامعه در سایه تصمیم گیریها و فرمانهای او دارای امنیت، عدالت، فضیلت، بصیرت و مصونیت گردد .

حاکمی که از یک سو به مدد نور حاصل از روشن بینی و بصیرت تقوا و بینش و معرفت زیاد از وقوع در شبهات مصون می ماند و در مواجهه با شدائد و سختیها و لغزشها به مدد زره محکم و سپر مطمئن تقوا صبر و تامل می نماید تا بتواند خود و مردم ت حکومت خویش را، از عواقب ناشایست آن مصون دارد و با سلامت به دست آمده از بهداشت جسمی و روانی حاصل از تقوا، حد اعتدال را در زندگی فردی و اجتماعی رعایت کرده و با پرهیز از طمع هیچ گاه به افراط و تفریط کشیده نمی شود و در همه حال حق و عدالت را آنگونه که شایسته است، برپا می دارد .

همچنین با توجه به فهم دینی برآمده از تقوا و ایمان به پایان پذیری عمر به خودسازی خویش می پردازد و در مواجهه با مردم با خوشخویی و نرمی برخورد می کند و امور آنان را به خوبی حل و فصل می نماید .

منابع

- قرآن کریم

- بیست گفتار : مرتضی مطهری، تهران ، انتشارات صدرا، 1368

- پیام امام شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه : مکارم شیرازی با همکاری جمعی از فضلا، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1379، ج 1 و 2

- ترجمه و تفسیر نهج البلاغه : محمد تقی جعفری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1362، ج 3 و 4 و 6 و 11 و 12 و 20 و 21

- تفسیر المیزان : علامه سید محمد حسین طباطبایی، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، بنیاد علمی و

- فکری علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء، 1363، ج 7 و 9 و 19
- تفسیر نمونه : مکارم شیرازی با همکاری جمعی از دانشمندان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1372
 - ترجمه و شرح نهج البلاغه : فیض الاسلام
 - درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی : اهداف تربیت از دیدگاه اسلام : دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، انتشارات سمت، 1376
 - ده گفتار : مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا، 1369
 - سیری در نهج البلاغه : تهران، انتشارات صدرا، 1368
 - سیری در تربیت اسلامی : مصطفی دلشاد تهرانی، تهران، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، 1376
 - مراحل اخلاق در قرآن : آیه الله جواد آملی، قم، مرکز نشر اسراء، 1378
 - المعجم المفهرس (الفاظ نهج البلاغه) : سید کاظم محمدی، محمد دشتی، نشر امام علی (ع)، قم، چاپخانه مهر، 1369
 - مقدمه ای بر روشهای تعلیم و تربیت در نهج البلاغه : محمد جواد لیاقت دار، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس
 - نگرشی بر اخلاق از دیدگاه قرآن : ناصر خدایاری، صادق مرادی، تبریز، انتشارات سالار، 1379
 - نشریه حکومت اسلامی، ویژه اندیشه و فقه سیاسی اسلام : سال اول، 1375، ج 1- 2

برگرفته شده از فصلنامه ندای صادق، شماره 20

پی نوشت ها :

- (1) نساء، 105
- (2) مائده، 67
- (3) نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه 40
- (4) همان، خطبه 33
- (5) همان، نامه 31
- (6) همان، حکمت 460
- (7) درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی؛ اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، ص 29
- (8) اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، ص 40
- (9) ده گفتار، مرتضی مطهری، ص 15
- (10) نهج البلاغه، خطبه 182
- (11) نهج البلاغه، خطبه 16
- (12) همان منبع، خطبه 221
- (13) اعراف، 96

- (14) نهج البلاغه، خطبه 189
- (15) ده گفتار، مرتضی مطهری، ص 60
- (16) نهج البلاغه، خطبه 184
- (17) همان منبع، خطبه 156
- (18) نهج البلاغه، خطبه 232
- (19) همان منبع، خطبه 232
- (20) همان منبع، خطبه 184
- (21) همان منبع
- (22) نهج البلاغه، نامه 5
- (23) همان منبع، نامه 50
- (24) نهج البلاغه، خطبه 200
- (25) همان منبع، نامه 45
- (26) همان منبع، نامه 45
- (27) همان منبع، خطبه 189
- (28) همان منبع، خطبه 184
- (29) همان منبع، نامه 31
- (30) همان منبع، خطبه 184
- (31) همان منبع، خطبه 16
- (32) نهج البلاغه، خطبه 110
- (33) همان منبع، کلام قصار 125
- (34) همان منبع، خطبه 132
- (35) همان منبع، نامه 45
- (36) همان منبع، خطبه 184
- (37) همان منبع، ، کلام قصار 381
- (38) همان منبع، خطبه 113